



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶ تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۸۸۹۸۶۸۲۸ شماره: ۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰ امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۳۲ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲ www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۳ آذان مغرب ۱۷:۳۳ آذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۴

شرق

روزنامه

دوشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۱ ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۶۴۷ ۱۶ صفحه

نگاه سبز

خبری بد برای سدسازان در جهان



محمّد درویش'
Darvish100@gmail.com

● در تازه‌ترین گزارشی که سه نهاد جهانی معتبر به نام سازمان خواروبار کشاورزی (فائو)، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی و همچنین برنامه غذایی سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ منتشر کردند، اعلام شد که هم ایکن شمار گرسنگان عالم از مرز ۸۷۰میلیون نفر گذشته است، یعنی از هر هشت نفر ساکن کره زمین، یک نفر دچار سوءتغذیه است. این در حالی است که چندی پیش، لستر براون در کتاب خود با عنوان نجات محیط‌زیست، اعلام کرد که از هر شش نفر اهالی زمین، یک نفر هم دچار پر خوری و چاقی است! در چنین شرایط به نظر می‌رسد، آنچه که بیشتر از کمبود مواد خوراکی امنیت غذایی مردمان ساکن در زمین را تهدید می‌کند، نظام نامعادلانه توزیع موادغذایی است. به دیگر سخن به جای آنکه اولویت نخست در دنیا ساخت سدهای مخزنی بزرگ و اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای برای تامین آب لازم برای افزایش تولید غذا در بخش کشاورزی و دامداری باشد، باید بر تکمیل روش‌های غیرسازهای، فرهنگ‌سازی و تغییر الگوی مصرف در جوامع مختلف تمرکز کرد، واقعیتی که نتایج انتشار یافته از یک گزارش تکان دهنده دیگر، درستی آن را آشکارا تایید می‌کند.
نیمی از موادغذایی که سالانه در جهان تولید می‌شود به وزن تقریبی حدود ۲میلیارد تن، بدون استفاده به هدر رفته و نابود می‌شود! این در حالی است که در گزارش‌های منتج از سال پیش از آن، این رقم هدر رفت، با خوش‌بینی هرگز از یک سوم تولید جهانی، فرونی نگرفته بود، اما اینک مشخص شده به بحران نابودی دست‌ساز موادغذایی توسط آدم‌ها بسیار جدی‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شد! چرا؟

کافی است به یاد آوریم که فشار بیش از حد بر منابع آب و خاک، سبب ۲۲میلیارد دلار خسارت سالانه ناشی از تشدید فرآیند بیابان‌زایی در جهان می‌شود و در عین حال،میلیاردها دلار از سرمایه‌ها نیز در کار ساخت مظاهری از مدیریت سازه‌ای (مانند سد و لوله‌های پهن‌پیکر انتقال آب بین‌حوضه‌ای) مصرف می‌شود که عملاً مشخص شده، برای جلوگیری از هدررفت چشمگیر موادغذایی کارساز نیست و اولویت ندارد.

مورد تاکید قرار گرفته، می‌توان به مواردی چون؛ توجه بیش از حد به ظاهر و زیبایی محصولات غذایی اشاره کرد که سبب شده تا بسیاری از محصولات کشاورزی با کیفیت خوب که ممکن است ظاهر دلفریبی نداشته باشند، از بین بروند. افزون بر آن، مولفه‌های دیگری چون ضعف در مهندسی صنایع غذایی و کشاورزی و لگنت‌های جدی در ساختارهای بسته‌بندی، انبارداری و توزیع موادغذایی را هم باید در شمار مهم‌ترین دلایل این هدررفت بزرگ در نظر گرفت.

به عنوان مثال از روش‌هایی که در آن مستترین به خرید هرچه‌بیشتر و حریصانه موادغذایی تشویق می‌شوند، در شمار دیگر دلایل این فاقعه غذایی یاد شده است. در بسیاری از کشورها، فروشگاه‌ها برای فروش هرچه بیشتر، گاهی در ازای خرید یک محصول، محصولی دیگر را به طور مجانی به خریدار عرضه می‌کنند، در حالی که ممکن است اصلا مورد نیاز خریدار نباشد. به این ترتیب خریداران تشویق می‌شوند مواد غذایی بیشتری تهیه کنند تا محصولات مجانی افزون‌تری به دست آورند؛ رخدادی که سبب می‌شود در بسیاری از منازل، همواره موادغذایی و مصرفی فراوانی برای دور ریختن وجود داشته باشد.

در حقیقت، این پژوهش جدید هشدار می‌دهد که بین ۳۰ تا ۵۰درصد از موادغذایی تولید شده، هرگز روی هیچ سفرهای در نزد مردم هیچ قارهای گسترده نمی‌شود. به طور مثال در انگلستان، حدود ۳۰درصد از سبزیجات تولید شده، هرگز از زمین‌های کشاورزی حتی برداشت هم نمی‌شوند. دلیل این امر اهمیت دادن بیش از حد مشتریان به شکل و شمایل و ظاهر موادغذایی است. در همان حال هم، نیمی دیگر از موادغذایی خریداری شده توسط مصرف‌کنندگان در اروپا و آمریکا دور ریخته می‌شود.
آمرایه‌ای که در ایران هم البته وجود دارد و بارها توسط متولیان رسمی اتحادیه توزیع میوه و تره‌بار در کشور اعلام شده که بین ۳۰ تا ۴۵درصد از میوه‌ها و سبزیجات تولید شده، هرگز به دست مصرف‌کننده واقعی نمی‌رسد. این در حالی است که اگر به این رقم‌های حیرت‌انگیز نابودی موادغذایی، هدررفت آب در مزرعه را هم بیفزاییم که در ایران به حدود ۵۵درصد می‌رسد، درمی‌یابیم که ما تا چه اندازه راه را به خطا رفته و برای تامین امنیت غذایی شهروندان، بدترین و گران‌ترین گزینه را انتخاب کرده‌ایم! نکرده‌ایم؟

پرسش یاد رنگ اصلی که اینک پیش روی برنامه‌ریزان، به‌ویژه در معاونت برنامه‌ریزی راهبردی رییس‌جمهور و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی قرار دارد، این است که آیا نباید برای رسیدن به آرمان‌ها بلند تامین امنیت غذایی که در سند چشم‌انداز ۲۰ساله ایران ۱۴۰۴ و نیز نقشه جامع علمی کشاورزی ایران مورد تاکید قرار گرفته است، طراحی چیدمان توسعه را تغییر داده و اولویت شماره یک برای تحقق امنیت غذایی را به بخش تامین و ارسال آب اختصاص دهیم؟

زاویه دید

۵۲سال پیش، «مالی»



کامران عدل

بعد ازظهر ۲۲ دی، نیروهای ارتش فرانسه برای دفع حملات اسلامگرایان و کمک بهنیروهای کشور مالی، وارد شهر موپتی (Mopti) شدند. برای من، کشور مالی و شهر «موپتی» مملو از خاطرات است. من برای اولین بار در ۱۳۶۲، به‌کشور مالی رفتم تا از مسجد شهر نینو نو (Niono) عکاسی کنم. مسافرت بی‌نظیری بود، مخصوصا که همراه یکی از بهترین آفریقاشناسان آن دوران که گویا هم‌اکنون در جایی در آمریکای جنوبی زندگی می‌کند به‌نینو نو رفتم. اسمش راتلو اسنلدر (RaoulSnlder) و هلندی بود.

بعد از آن در ۲۷ آوریل ۱۹۹۸، به‌مالی رفتم که از بازسازی شهر جنه (Djenné) که ثبت میراث جهانی یونسکو می‌باشد عکاسی کنم. برای رفتن به جنه، باید اجبارا به موپتی رفته و از آنجا به جنه. موپتی دارای یک موقعیت استراتژیکی مهم است زیرا هم دارای فرودگاه می‌باشد و هم چون در کنار رودخانه پهناور نیجر قرار دارد، دارای بندرگاه می‌باشد. به‌همین علت تصرف این شهر، توسط اسلام‌گرا‌ها، برای نیروهای مالیایی و فرانسوی بسیار گران تمام می‌شد.

برگردیم به‌پنجاه دو سال پیش. در آن دوران من بیست ساله بودم. کتاب‌های ژان لارتگی (Jean Larteguy) را می‌بلعیدم. لارتگی، اگر نگوییم که بهترین خبرنگار جنگی در قرن بیستم بود، می‌توانم بگویم که یکی از بهترین بهترین‌ها بود. مخصوصا که قلم خوبی داشت. در آن دوران، تازه با به‌ندبای عکاسی حرفه‌ای گذاشته بودم. می‌خواستم ماجراجو باشم. عکس‌های بهترین عکاسان جنگی را با دقت نگاه می‌کردم که نوشته‌های لارتگی، به‌آنها رنگ و بو می‌داد. کافه‌های شهر هائو و سایگون، ویت‌مین‌ها و ویت‌کنگ‌ها. اگر تصویرهای زیادی از سقوط دژ دین بین فو (Dien Bien Phu) وجود نداشت، ولی نوشته‌های لارتگی، آنچنان واقع‌گرا و زنده بودند که خودم را در آنجا حس می‌کردم. اگر یادتان باشد، قبل از سفرم به‌گرجستان، می‌خواستم به‌ویتنام و هائو بروم. این کشنی بود و هست که از لارتگی گرفته بودم. متأسفانه ویت‌نملی‌ها، با وجود اصرار سفارت فرانسه در ویتنام، به‌من ویزا ندادند و من سر از: تفلیس و گرجستان درآوردم.

طبیعتا بعد از ویتنام، لارتگی به‌الجزایر رفت و درباره جنگ الجزایر نوشت. جنگ الجزایر، به‌عکس جنگ ویتنام، خیلی پراکنده بود. عکاس‌ها نمی‌توانستند آن را پیش‌بینی کنند، که اتفاق در کجا خواهد افتاد. ولی لارتگی، آن را طوری می‌نوشت و توضیح می‌داد که انسان، خودش را در آن میان احساس می‌کرد. در یکی از نوشته‌هایش، از نیروی سوارانظام فرانسه که سوار شتر بودند، نوشت که چگونه با لباس‌های شئل‌دارشان از جنوب کوه‌های اطلس، به طرف نیجر رفتند و در آنجا از ایلات توآرگ (Toiregues) و از جادوگرها (Marabous) می‌نوشت.

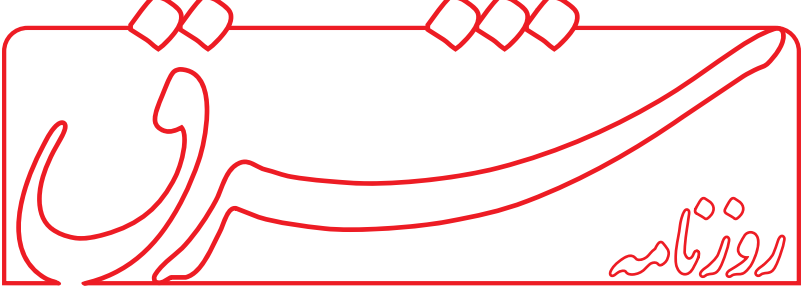
فرزند سوم میرزا ابدالخالق؛ امام‌جمعه مه‌باد که پس از مرگ یک برادر و خواهر خود نام محمد ثانی را بر او گذاشتند، مترجم چیره‌دست زبان فرانسه، به‌زانسته اداره دارایی و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران، کسی‌که به‌قول نجف دربانبری (دیگر مترجم نامدار معاصر) آنا‌تول فرانس، نویسنده فرانسوی که اقبالی نزد مخاطبان ایرانی نداشت را با نثر روان و شیوای خود از خاک خوردن ته انبار ناشران نجات داد. از وی در طول پنج دهه ۶۸ عنوان آثار ادبی جهان برگردان و تالیف و منتشر شده است.



داریوش معمار

بسیاری از مخاطبان ادبیات جهان، داستان «مادر» نوشته ماکسیم‌گورکی (نویسنده سرشناس روس) و «شازده کوچولو» اثر سنت‌اگرپوری را با برگردان او می‌شناسند، این کتاب‌ها از سال انتشارشان تا امروز بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند.

نام محمد قاضی، زوربای ایرانی (به قول خودش) به همراه ابوالحسن نجفی، به‌آدین و سروش حبیبی چند دهه زینت‌بخش برگزیده برگردان آثار ادبی جهان به‌خصوص از زبان فرانسه نزد خوانندگان بوده، قاضی متولد مرداد ۱۲۹۲ تبریز ناشران نجات داد. از وی در طول پنج دهه ۶۸ عنوان آثار ادبی جهان برگردان و تالیف و منتشر شده است.



دوشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۱ ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۶۴۷ ۱۶ صفحه

بزرگداشت «جعفر شهیدی» در فرهنگسرای گلستان

ایسنا:مراسم بزرگداشت سیدجعفر شهیدی روز سه‌شنبه، ۲۶دی، در فرهنگسرای گلستان برگزار می‌شود. مراسم گرامیداشت استاد شهیدی به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت او برگزار می‌شود و در حاشیه این مراسم نمایشگاهی از آثار ادبی او برپا خواهد شد. سیدجعفر شهیدی در زمینه‌های ادب فارسی و همچنین ادبیات عرب، استادی بنام بود و با استادی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی، دهخدا و محمد معین همکاری داشته است.



از هر نظری ضرر

قضیه یقه



پوریا عالمی

● یک بابایی، حالا شما فرض کنید حاجی‌بابایی، که یک‌کارهای هست، حالا شما فرض کنید وزیر آموزش و پرورش، خطاب به دانش‌آموزان گفت: مواظب باشید پاپتان لیز نخورد یا دچار سرماخوردگی نشوید، چرا که اینجا هر اتفاقی برای شما بیفتد، یقه ما را می‌گیرند.

بی‌یقه

به‌نظر ما یک دلیل اینکه وزیران و کلهم دولتی‌ها پیراهن بدون یقه می‌پوشند این است که کسی نتواند یقه‌شان را بگیرد.

یقه در قرون وسطا

البته اینکه مسئولان در عصر حاضر، خودشان پیش‌قدم بشوند و یقه‌دار نباشند بهتر است. چرا؟ چون در قرون وسطا وقتی تقصیر می‌افتاد گردن کسی، یقه‌اش را نمی‌گرفتند، بلکه اول یقه‌اش را قیچی می‌کردند و بعد سرش را با احترام می‌سپردند به حضرت گیوتین.

یقه در ایران، کمربند در ژاپن

تسوی ژاپن مسئولان وقتنی با فاجعه رویه‌رو می‌شوند، اول عذرخواهی می‌کنند بعد هاراگیری می‌کنند. حالا ما از مسوولان توقع هاراگیری نداریم ولی زبانشان بچرخد و بگویند معذرت می‌خواهیم، خون و خونریزی می‌شود؟ نمی‌شود که.

یقه برگردان

پیشنهاد ما برای وزرا و مسئولان به‌جای استفاده از لباس بدون یقه، استفاده از لباس با یقه برگردان است. چون این‌طوری مسئولیت‌شان برمی‌گردد و می‌ریزد بیرون و دیگر کسی کاری به کارشان ندارد.

یقه جایگزین

حالا همچنین می‌گویند یقه وزیر را می‌گیرند انگار آدم دستش به‌جایی بند است. خوب چی را بگیرند؟

دست به یقه

یه حرکتی هم که توی این هفدهش سال مد شده این است که تا رییس، وزیری، مدیری، مسئولی، چیزی قرار می‌شود پاسخ بدهد (استیضاح که شوخی است) سریع با روزنامه‌نگاران و مجلسیون و منتقدان دست به یقه می‌شوند که کسی یقه‌شان را بگیرد.

یقه‌گیری در کوچه

الان وزیر آموزش و پرورش سر صف به یقه‌ها می‌گوید «اگه شر بخورید یقه ما رو می‌گیرند» این بچه‌ها بروند خانه به باباشان بگویند «اگه پول رو جیبی‌ام رو ندادی، یقه‌شات رو می‌گیرم» پدر و مادر بدبخت نمی‌نشینند و افسوس نمی‌خورند که بچه‌شان چطور ی با ادبیات کوچه آشنا شده؟ حالا اگر بچه بگوید: «به جون خودم این حرفا رو از وزیر آموزش و پرورش یاد گرفتم» باباش یقه‌اش را نمی‌چسبد که چرا خلاف هم می‌گوید؟

یقه دیالوگی

– ادب از که آموختی؟

: از یقه.

دکه

یک گل سفید درشت در «سینما و ادبیات»



عنوان مجله: سینما و ادبیات
سردبیر: نلیفور نیارواری
حوزه انتشار: فرهنگ و هنر
قیمت: ۴۸۰۰ تومان
تاریخ انتشار: شماره ۲۵، دی
تعداد صفحات: ۲۳۰ صفحه
مطالب مهم: گفت‌وگو با برادران دارن/ ترجمه: بهروز
مطالب تازه: صفحه ۱۰
سخن‌گفتن با هوا: نوشته اردوان تراکمه و کیلوش اخباری/ صفحه ۲۶
رود روایت و روی مزاحم: اعظم/ نوشته محمدعلی سجادی/ صفحه ۷۲
نگاهی به شیوه روایت‌گری در فیلم‌های نولان، فینچر و

بی‌یقه

چه کسی «آنا‌تول فرانس» را نجات داد

سرطان حنجره قدرت تکلم طبیعی را از دست داده بود. قاضی در سال‌های میانی دهه پنجاه طی سخنرانی کوتاهی در مراسم شب‌های انستیتو گوته شرایط جسمی و عشق خود به مخاطبانش را این‌طور شرح می‌دهد: «لاید کم و بیش اطلاع دارید، من سال‌ها پیش بر اثر دچار شدن به بیماری سرطان حنجره، در آلمان تحت عمل جراحی قرار گرفتم و چون غده سرطانی پیشرفته بود، تارهای صوتی و مجرای تنفسی و قسمتی از لوله مری مرا برداشتند به‌طوری‌که اکنون قادر به حرف زدن نیستم و تنفسم از راه بینی و دهان انجام‌پذیر نیست و برای تنفس سوراخی در گلویم تعبیه کرده‌اند که تا اندازه‌ای عمر خود را در حالی به ترجمه اختصاص داد که به دلیل



عکاس‌خانه

کوه با نخستین سنگ‌ها آغاز می‌شود

عکاس: مهدی منعم

درسال ۱۳۳۹ در شهر رشت متولد شد.

از سال ۱۳۶۱ به عنوان عکاس خود آموخته در خبرگزاری جمهوری‌اسلامی ایران مشغول به کار شد. طی پنج سال در ایرنا از چندین عملیات نظامی جنگ عراق و ایران عکاسی کرد. در مدت ۲۴ سال پس از جنگ، بیشتر موضوعات عکاسی او آثار جنگ بر مردم بوده است.

کتاب عکس «معجزه امید» در ارتباط با زندگی رزمندگانی است که در جبهه‌های جنگ مجروح شده‌اند. «فرهانیان جنگ» عنوان کتاب دیگری است که نگاهی دارد به آثار جنگ بر غیرنظامیان، که در سال ۱۳۸۸ انتشار یافته است.

مهدی منعم را همه با عکس‌های مرتبط با موضوعات جنگ می‌شناسند در حالی که او از اقوام ایرانی و سیر تحول فرهنگی و اجتماعی با رویکرد مستند اجتماعی از ایران نیز عکس‌هایی دارد که این روزها تعدادی از آنها با عنوان یادداشت‌های تا‌نامم در گالری راه ابریشم به نمایش در آمده است.

حرف روز

حمله مور یانه‌ها به استخوان‌های چند هزار ساله شوش

● **ایسنا:** مرجان مشکور – باستان‌جانورشناس – گفت: مور یانه به استخوان‌های چند هزار ساله شوش حمله کرده است. اگرچه مطالعه درباره وضعیت استخوان‌های چند هزار ساله شوش به چند سال قبل می‌گردد تا ضمن ساماندهی و بررسی این استخوان‌ها اطلاعات مهم درباره آنها منتشر شود و در اختیار جامعه علمی قرار گیرد. بنا بر این گزارش با توجه به وضعیت نامساعد انبار محل نگهداری این استخوان‌ها، که مخزن دیرینه‌شناسی نامگذاری شده، چندی پیش مشکور با هماهنگی پژوهشکده باستان‌شناسی به شوش رفت تا استخوان‌های جانوری کشف‌شده از شوش را جابه‌جا و در صورت نیاز، آنها را به محلی مناسب برای انجام مطالعات آزمایشگاهی منتقل کند.

او موفق به انجام این کار نشد؛ زیرا علاوه بر خاک‌گرفتگی زیاد و آشفته بودن بعضی کارتن‌هایی که از سال‌ها قبل در مخزن قلعه شوش نگهداری می‌شوند، مور یانه‌ها هم در آنجا لانه کرده‌اند و دیگر هیچ موزه یا موسسه‌ای چنین اشتیایی را قبول نمی‌کند، چون ابتدا باید مور یانه‌زدایی شوند. مشکور در این‌باره به ایسنا گفت: رخنه کردن مور یانه در دل دیوارهای این انبار بسیار خطرناک است و حتی با یک زلزله نه‌چندان قوی شاید این بخش زیر آوار از بین برود و یافته‌های باستان‌شناسی هم تخریب شوند.